

**عبارروبی بارگاہ مطهر امام رضا (ع) با حضور رهبر انقلاب**

**سیاسی**



احمد حکیمی‌پور عضو شورای شهر تهران گفت:حرف‌هایی انتقاد آمیزی که ما اصلاح‌طلبان در شورای شهر چهارم بر سر زبان آوردیم عملا بایکوت شد و به گوش مردم نرسید. این‌ها ناشی از این بود که امپراتوری رسانه‌های شهرداری می‌توانست این خبرها را مطابق میل خود در رسانه‌ها جهت‌دهی کند تا مردم از آن مطلع نشوند.

عضو شورای شهر چهارم تهران می‌گوید که اعضای شورای پنجم باید از هم اکنون چالش‌های شهر تهران را شناسایی و طی گزارشی به مردم بگویند که چه چیزی را از شهرداری تحویل می‌گیرند. حکیمی‌پور بر استقلال شورای شهر از شهرداری تهران تاکید داشته و اصرار دارد که پارلمان شهری در دوره پنجم شورای شهر تهران تاسیس شود. وی معتقد است تا وقتی که ساختمان شورای شهر و شهرداری یکی باشد، امکان استقلال شورای شهر وجود ندارد.

گزیده‌ای از مصاحبه حکیمی‌پور را در ذیل آمده می‌خوانیم:
**سوال:** اخیرا آقای محمد هاشمی گفته: **خرابی‌هایی که آقای قالیباف در شهرداری تهران به بار آورده به مراتب بدتر از عملکرد آقای احمدی نژاد است.** از سویی مباحثی که به ویژه از سوی آقای رحمت ا... حافظی درباره فساد در شهرداری تهران مطرح شده، شاید حکایت از تحویل گرفتن یک ویرانه باشد. این نشان می‌دهد که شورای شهر چهارم به هر دلیل نظارت لازم را بر شهرداری تهران نداشته است. از سوسویی خبرنگار یکی از روزنامه‌ها اخیرا مطلب بر سر و صدایی درباره نوع ارتباط شهرداری تهران با بسیاری از خبرنگاران حوزه شهری نوشت که جای بررسی دارد. با این مقدمه، شورای شهر پنجم چه چالش‌هایی را پیش رو خواهد داشت؟

حکیمی‌پور: شورای شهر تهران ویترن شهرهای کشور است. اگر اصلاح‌طلبان بتوانند در آن عملکرد مناسبی داشته باشند مردم به ادامه کار امیدوار تر می‌شوند و بالعکس. من و برخی اعضای شورای فعلی شهر نکاتی را به دوستان عزیزمان در شورای شهر پنجم گفته‌ایم که فهرست‌وار به آن اشاره می‌کنم. مهم‌ترین نکته‌ای که گفته‌ایم تهیه گزارش، برآورد دقیق وضع موجود است. یعنی اینکه چه چیزی را تحویل می‌گیرند. باید مشخص شود که در همه زمینه‌های شهرداری از جمله، درآمد و هزینه پروژه‌های نیمه تمام، بدهی‌های شهرداری، ساختار نیروی انسانی، چالش‌های پیش روی شهر و غیره چه چیزی تحویل گرفته شده است. اعضای شورای پنجم باید این را با ارایه آمار دقیق به مردم و افکار عمومی گزارش دهند. در این فرصتی که تا آغاز کار شورای پنجم مانده این گزارش را تا حد امکان تهیه و برای چهار سال آینده برنامه ریزی کنند. خوشبختانه این کار تا حدودی صورت گرفته و جلسات متعددی با مدیران شهری و خود شورای شهر در قالب جلسات مشترک کمیته با کمیته و کمیسیون با کمیسیون شکل گرفته و این اتفاق خوبی است.

مسئله دیگر دوری از تشنگ است. شورایی موفق خواهد بود که کم حرف و پر کار باشد و مرتب به مردم گزارش دهد. یعنی با بدنه اجتماعی ارتباطی منطقی و نتیجه محور داشته باشد. با عقبه کارشناسی و تشکیلاتی خود ارتباطی درست داشته و مورد پشتیبانی آن‌ها قرار گیرد.

از نظر من دو تجربه دوره عضویت در شورای تهران را دارم چالش دیگر شورای شهر بعدی عدم تناسب بین منابع و مصارف در شهرداری است. نتیجه اینکه مشکلات و حفره‌های بزرگ ما حل نخواهد شد. سازمان بازرسی هم روی این موضوع دست گذاشته است. موضوع بعدی ارتباط بین شورا و شهرداری با بقیه نهادهای حکومتی است. چرا که مسائل شهر تهران صرفا مسائل یک کلان شهر

در آستانه دهه کرامت، مراسم عیاررویی ضریح مطهر حرم ثامن‌الحجج حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام، در فضایی معنوی و با حضور حضرت آیتالله‌خامنه‌ای، جمعی از علما و اقتشار مختلف مردم برگزار شد. رهبر انقلاب اسلامی در سنوات گذشته نیز در این مراسم معنوی که از جمله برنامه‌های مستمر آستان قدس رضوی است، حضور داشته‌اند.

**احمد حکیمی پور، عضو شورای شهر تهران:**

## امپراتوری رسانه‌ای قالیباف مانع از رسیدن واقعیات به گوش مردم است

نیست بلکه مقیاسی ملی دارد. باید شورا و شهرداری ارتباط خوب و نتیجه بخشی با دیگر دستگاه‌ها از جمله دولت، مجلس، قوه قضاییه و دیگر دستگاه‌های ذریبط در مسائل شهری داشته باشند.

مسئله بعدی ساختار خود شهرداری و مدیریت شهری است که نیاز به بازنگری و چابک سازی دارد. این ساختار بسیار سنگین و بهره وری اش پایین است. این ساختار باید سبک و چالاک شود. شورای شهر شورایی شهر تهران و پیرامون است. یعنی فقط ۷۰ کیلومتر مربع تهران نیست. ورامین، دماوند، اسلامشهر و شهبیار را هم در برمی‌گیرد. نمی‌توانید درباره تهران تصمیم بگیرید و حومه آن را نبینید. شورای شهر جایی نیست که اعضا با ۷۰ ساعت موظفی ماهانه بتوانند کاری در آن انجام دهند. در دوره چهارم دوستانی در ششورا بودند که ۳۰۰ ساعت در ماه برای شورا وقت گذاشتند ولی باز به نتیجه نرسیدند. چالش مهم دیگر نظارت فرآیندی شورا بر امور شهرداری و شهر است. اعضای ششورا باید این موضوع را برای خود حل کنند که شورای شهر مردم تهران هستند نه شورای شهردار. در این راستا شورا باید هم از نظر بودجه‌ای و اعتبارات و هم به لحاظ ساختاری از زیر نظر شهرداری خارج شود.

متأسفانه یکی از اشکالات بزرگ ۴ دوره اخیر شورای شهر در کل کشور شکل نگرفتن پارلمان شهری خارج از ساختمان شهرداری است. اگر این پارلمان شکل می‌گرفت ارتباط وسیع و گسترده مردم با اعضای شورای شهر میسر می‌شد. اما قبل از انقلاب پارلمان شهری بیرون از شهرداری تهران و داخل پارک شهر بوده و هنوز هم ساختمان آن موجود است. متأسفانه پول‌های هنگفتی برای ساختن مکان‌هایی چون باغ کتاب و بسیاری ساختمان‌ها شد و در نهایت نیز بسیاری از آن‌ها به نهادهایی به غیر از شهرداری واگذار شد. در حالی که این هزینه‌ها از جیب مردم تهران شده و متعلق به آن‌ها بوده است. با این وجود اما آقایان هزینه ساخت یک پارلمان شهری را تامین نکردند. اگر پارلمان شهری ساخته می‌شد هویت شورا به طور مستقل از شهرداری قابل تعریف بود.

**سوال:** چرا بر ساخت پارلمان شهری تاکید دارید؟

حکیمی‌پور: در همه جای دنیا چنین روالی وجود و شورا ساختمانی مربوط به خود دارد. این طور نیست که شورای شهر طبقه اول یک ساختمان باشد و شهردار طبقه هشتم همان ساختمان؛ یعنی آنچه که در تهران وجود دارد. در وضعیت فعلی به طور علنی و عملی شورای شهر زیر سیطره شهرداری است در حالی که در شهررداری است که بایست تحت نظارت مداوم شورای شهر باشد.

**سوال:** جناب حکیمی‌پور در رابطه با این بحث که خبرنگار یکی از روزنامه‌ها مطرح کرده بود که شهردارانی با عده‌ای از خبرنگاران حوزه شهری ارتباط نادرست رسانه‌ای برقرار کرده است ، آیا گزارشی به دست شما رسیده است؟ در صورت پاسخ مثبت، شما در این ارتباط چه اقدامی انجام دادید؟

حکیمی‌پور: ببینید سیستم شهرداری تهران مشکلی دارد که من بارها آنرا گفته‌ام. شهرداری تهران طوری است که اگر فاسد شود، فقط خودش دچار اشکال نمی‌شود بلکه سایر حوزه‌ها را نیز آلوده می‌کند. یکی از این حوزه‌ها حوزه اطلاع و خبرسانی است. این موضوعی که شما اشاره کردید همانی است که ما مدام نگران آن بودیم و نام آن را امپراتوری شهری شهرداری گذاشته‌ایم. متأسفانه هر چقدر هم دنبال بررسی این موضوع بودیم هیچ پاسخ شفافی از سوی روابط عمومی‌های شهرداری تهران به ما داده نشد.

هر چند چون ما اطلاعات شفافی از عملکرد روابط عمومی‌ها و شرکت‌های پیام رسان شهرداری نداریم و نمی‌توانیم اظهار نظر دقیقی در این‌باره کنیم. اما بارها حرف‌های انتقادآمیزی که ما اصلاح‌طلبان بر سر زبان آوردیم عملا بایکوت شد و به گوش مردم نرسید. این‌ها ناشی از این بود که امپراتوری رسانه‌های شهرداری می‌توانست این خبرها را مطابق میل خود در رسانه‌ها جهت‌دهی کند تا مردم از چیزی با خبر نشوند.

اما اینکه شما پرسیدید که مگر شما عضو شورای شهر نبودید پس چرا اقدامی نکردید، پاسخی دارم. ما چه کاری می‌توانستیم بکنیم که نکرديم؟ اصلاح‌طلبان شورا در اقلیت بودند. وقتی می‌خواستیم سوال را تبدیل به استیضاح کنیم،

در آستانه دهه کرامت، مراسم عیاررویی ضریح مطهر حرم ثامن‌الحجج حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام، در فضایی معنوی و با حضور حضرت آیتالله‌خامنه‌ای، جمعی از علما و اقتشار مختلف مردم برگزار شد. رهبر انقلاب اسلامی در سنوات گذشته نیز در این مراسم معنوی که از جمله برنامه‌های مستمر آستان قدس رضوی است، حضور داشته‌اند.



**احمد حکیمی پور، عضو شورای شهر تهران:**

## اکثریت دولتی، مانع از رسیدن واقعیات به گوش مردم است

اکثریت دولتیست. یعنی شورا می‌تواند تذکر بدهد و حتی سوال کند اما

اگر در ادامه بخواهد کار را به استیضاح شهردار بکشاند باید

اکثریت شورا از او پشتیبانی کنند که چنین چیزی هیچ وقت اتفاق نمی‌افتاد.

**سوال:** منظور تان حرف‌های بیان شده در جلسات علنی است ؟

حکیمی‌پور: بله. جلسات علنی.

**سوال:** شما به خود خبرنگارها و رسانه‌ها در این‌باره تذکر ندادید یا از آن‌ها در این‌باره توضیح خواستید؟

حکیمی‌پور: ما چه کارایم که بخواهیم تذکر دهیم.

**سوال:** ولی اصل چنین موضوعی را تایید می‌کنید؟

حکیمی‌پور: بله. متأسفانه یکی از آفت‌های ما عدم افشای فساد است.

**سوال:** سراغ عملکرد فراکسیون امید برویم. این فراکسیون تا چه حد توانست نقش خود را در مجلس دهم به درستی ایفا کند. به طور مشخص درباره کابینه دوازدهم تا چه حد توانست تغییراتی را که مد نظر رای دهندگان بود، ایفا کند؟

حکیمی‌پور: مسلما جریان اصلاح‌طلبی نسبت به قبل از سال ۹۲ خیلی پیشرفت داشته است. ما دستاوردهای بزرگی داشتیم که نباید آن‌ها را نادیده بگیریم. حتما ما از وضعیت مطلوب فاصله داریم و به تدریج بایست ضعف‌های خود را برطرف کنیم تا کارآمدتر شویم و نتیجه بهتری بگیریم.

درباره فراکسیون امید هم معتقدم عملکردهای خوبی در مجلس داشته ولی تاوم با برخی ضعف‌ها. مهم‌ترین ضعف آن عدم یکپارچگی و انسجام است. همین باعث شده در لایه‌های قدرتمند داخل مجلس به عنوان یک فراکسیون در تراز اصلاحات ظاهر نشود. یعنی امید در عمل از جایگاه یک فراکسیون اصلی به یک فراکسیون فرعی تنزل پیدا کرده است. وزن این فراکسیون بیشتر از این حرف‌ها بوده است. اما چون انسجامی داخل آن وجود ندارد، فاقد کارایی مورد انتظار بوده است. البته بخشی از این مشکل به نحوه بستن فهرست امید در انتخابات مجلس دهم که ائتلافی بود تا یک فهرست یک‌دست اصلاح‌طلب، برمی‌گردد.

این فراکسیون باید در روند شکل گیری دولت آینده بسیار فعال‌تر عمل کند و سهمی که اصلاح‌طلبان در موفقیت آقای روحانی داشتند، احیا کند. یعنی قوه مجریه متناسب با رای مردم تغییر کند.

**سوال:** به‌نکته مهمی اشاره کردید. به نظر یکی از ضعف‌های اصلاح‌طلبان این استست که پس از حمایت شش دانگ از

نامزدی آقای روحانی، اکنون مدام از تریبون‌های مختلف بر

عدم سهم خواهی خود از کابینه دوازدهم تاکید می‌کنند. در

حالی که جناح رقیب که یکپارچه به تحریب رئیس دولت یازدهم مشغول شده بود و همچنان هم است اکنون دنبال گرفتن سهم از دولت دوازهم است. اصلا واژه سهم‌خواهی نکردن درست است؟ چرا وقتی در کشورهای توسعه یافته وقتی حزب کارگر یا محافظه کار پیروز می‌شوند، کابینه خود را یک‌دست از طرفداران حزب خود می‌چینند و کسی هم به آن‌ها اعتراض نمی‌کند. آیا کابینه‌ای غیریک‌دست بحران عدم انسجام را در دولت به وجود نمی‌آورد؟

حکیمی‌پور: سهم خواهی در سیاست معنای خاص خود را دارد و وزنی که هر فراکسیون در مجلس دارد در شکل گیری کابینه موثر است. قبل از شکل گیری کابینه لایه‌هایی صورت می‌گیرد تا تعادلی صورت بگیرد. اسم این هر چه است باعث می‌شود کارآمدی کابینه افزایش یابد و دولت و مجلس هم به تناسبی با یکدیگر برسند البته من کلمه سهم خواهی را درست نمی‌دانم و اسم آن را حفظ انسجام و کارآمدتر کردن دولت و مجلس آینده می‌گذارم.

**سوال:** نظرتان درباره شهردار آینده تهران چیست؟

حکیمی‌پور: برای شهردار آینده تهران باید خود ششورا تصمیم بگیرد. اما در نهایت باید شخصی این مسئولیت را به عهده بگیرد که به چالش‌های گفته شده تهران وقوف داشته و برنامه‌ای عملی برای برطرف کردن آن داشته باشد.

**سوال:** شناس چه شخصی را بیشتر می‌بینید؟

حکیمی‌پور: شناس آقای محمد علی نجفی را بیشتر می‌بینم. ایشان سلامت نفس بسیار بالایی دارند و اگر قبول کنند به نفع مردم تهران است.

**دانش آشتیانی، وزیر آموزش و پرورش:**

## دلایل عدم حضورم در کابینه را به رئیس‌جمهور گفته‌ام

به شکل غیردولتی فعالیت می‌کنند. وی همچنین با اشاره به تفاهم نامه آموزش و پرورش با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که امروز به امضا رسید نیز، اظهار کرد: باید از ظرفیت‌های موجود استفاده شود.

موارد خوبی در تفاهم نامه آمده است از جمله اینکه کتاب‌های کانون با تخفیف‌های خوب در مدارس عرضه شوند و مربیان دبستان را آموزش دهیم که همانند مربیان کانون پرورش فکری با شیوه‌های قصه گویی و نمایش، محتوای آموزشی را انتقال دهند.

**توسط رئیس پژوهشده شورای نگهبان؛**

### موضوع رجل سیاسی در شورای نگهبان تشریح شد

آن گزارشی تهیه شد که صحن شورا هم اعلام شد؛ البته شورای نگهبان آن آیین نامه قبلی را هم مجددا بررسی کرد، منتها از نظر زمانی، زمان بررسی‌ها به نحوی بود که مقارن با انتخابات ریاست جمهوری شد.

معاون اجرایی و امور انتخابات شورای نگهبان خاطر نشان کرد: وقتی این موضوع به پژوهشکده ارجاع شد، پژوهشکده مطالعاتی را انجام داد و گزارشاتی هم تهیه شد. در مورد روش و متد ورود به این بحث و



**احمد حکیمی پور، عضو شورای شهر تهران:**

**سوال:** اصلاح‌طلبان چقدر در شعارهای خود درباره رعایت اخلاق پایبند مانده‌اند؟

حکیمی‌پور: در این‌باره خیلی نمی‌توانم قضاوت کنم. بازخوردهایی که ما از عکس العمل جامعه نسبت به خود دریافت می‌کنیم، تدریجی است. تا الآن که با شما صحبت می‌کنم تصمیماتی که جامعه گرفته است، سلبی بوده است نه ایجابی. یعنی مردم از ترس رای آوردن یک فهرست یا یک فرد به رقیب وی رای داده‌اند. شاخص‌های معینی برای رای دادن مردم وجود ندارد و بیشتر تبعیت مردم از اشخاصی بوده است که برایشان اعتبار قائل هستند. اما این راه چندان قابل استمرار نیست، باید روند به سمت شفافیت از طریق نهادهامندشدن و ایجاد ساز و کار حزبی برود و تا چنین نشود کسی پاسخگو نخواهد بود. متأسفانه جریان اصلاحات در عمل ساز و کار فعالیت حزبی را تضعیف کرده که این خطرناک است. اگر ساز و کار حزبی باشد، حزب باید از رفتار خود دفاع کند و بگوید چرا از نامزدی فلان شخص حمایت کرده است. چون ساز و کارها شخصی است، مسئولیت‌پذیری لوث شده و هر کس مسئولیت خطا را گردن دیگری می‌اندازد و این معضلی برای جریان اصلاحات‌شده است. اکنون واقعا مشخص نیست اگر ابهام و پرسشی درباره عملکرد یکی از اعضای فهرست امید مجلس دهم مطرح شود چه کسی باید پاسخگو باشد.

وقتی من نوعی می‌پرسم چرا فهرست امید و یا فراکسیون آن در مجلس به اندازه وزن خود نتوانسته در ساختار مجلس موثر باشد، کسی را نمی‌پایم که به آن پاسخ دهد. شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان پاسخگو است یا شورای عالی اصلاحات؟ در این‌باره سخنگوی این دو شورا چه افرادی هستند؟ عقبه تشکیلاتی و کارشناسی این دو تشکل کدام است؟ هیچ کدام از این‌ها پاسخ روشنی ندارد و پرسش‌ها روی زمین مانده است.

در حالی که موفقیت در انتخابات تنها یک بعد کار است. مهم‌تر از آن بر جای گذاشتن کارنامه موفق از خود است. بر این مبنا نباید از نقد و سوال آشفته شویم و سعی در توجیه و کاستن اهمیت مساله داشته باشیم.

اگر ما صادقانه، شفاف و اخلاقی با مسائل روبرو نشویم ممکن است واقعیات اجتماعی و تحولات پیش رو، ما را کاملا جا بگذارد.

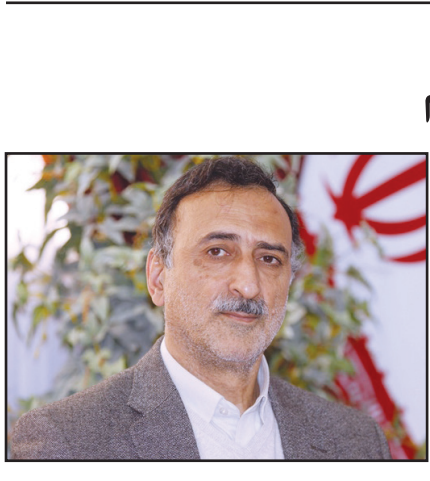
یعنی جامعه به این نتیجه برسد که این نوع صورت‌بندی‌های سیاسی و تقسیم جامعه به دو طیف اصلاح‌طلب و اصولگرا دیگر جوانگوی مسائل نیست. رخ دادن چنین چیزی را من به عینه از هم‌اکنون می‌بینم.

**سوال:** چنین رخدادی برای جامعه فرصت است یا تهدید؟ حکیمی‌پور: فرصت. چرا که کنش‌گران سیاسی ناچار می‌شوند دست از تکروی بردارند و به مردم بگویند دقیقا کجا ایستاده‌اند و قرار است چه بار بر زمین مانده‌ای را بردارند. بخش‌هایی از کنش‌گران هم که خود را در هیچ یک از دو قالب اصلاح‌طلب و اصولگرا نمی‌دانند به فکر تشکیل حزب با برنامه مشخص باشند.

یعنی کامل‌روشن کنند که با کدام نگاه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و کدام برنامه روشن و کمی و قابل اندازه‌گیری می‌خواهند چه مشکلی را حل کنند. دوران کلی گویی دیگر تمام شده و باید جزئیات مواضع گروه‌ها و افراد در ایران مشخص شود. احزاب باید مانرفست خود را ارائه دهند و در معرض نقد بگذارند و دقیقا بگویند بر حل هر یک از معضلات جامعه چه برنامه مشخصی دارند. مردم دیگر پشت سر شاره‌های کلی نخواهند ایستاد.

**سوال:** مسائل آخر به ماجرای توتال برمی‌گردد و طبل مخالفت جناح اصولگرا، ارزبایی تان چیست؟

حکیمی‌پور: بازگشت توتالی یکی از دستاوردهای خوب برجام و نشانه‌ای از رونق اقتصادی آینده است. مردم بسا رای خود در انتخابات اخیر از نامزدی که دنبال جذب سرمایه خارجی برای توسعه اقتصادی ایران بود، پشتیبانی کردند. بهتر است با حسن نیت به رای مردم تکریمتسه شود. از سوسویی آقای زنگنه هم وزیر پاکدست، پرکار و کم حرفی است که پاکدستی و دلسوزی بالایی برای این مرز و بوم دارد. صلاحیت و کارآمدی ایشان در طول سال‌ها مدیریت در پس از انقلاب به اثبات رسیده است.



تاریخ اصلاح‌طلبی در این کشور یعنی همین رخدادها که مدام‌ثبت می‌شود و این تاریخ زمانی قابل افتخار است که روی سر ایستاده باشد نه اینکه به خاطر گرفتن چند کرسی کم و بیش، حذف و یا برجسته کردن یک یا چند گروه و شخص یا خدایی نکرده به طمع گرفتن کالای دنیوی و پست و جایگاه اصلاح‌طلبی را روی شکم بخوابانند. شکمی که نماد سبیری‌ناپذیری، جنگ انداختن و طمع ورزیدن است و چون ازدهای داستان مارگیر در مثنوی معنوی اگر کنترل نشود خلقی را به مشکل خواهد انداخت. ...

جهت استحضار جناب جلالی‌پور مدرس جامعه‌شناسی باید گفت، هیچ دلیلی ندارد که شورایی‌عالی و مدافعینش با جمعیت قدرت اصلاحات و بسا از حلقه قدرت خارج کردن احزاب و اشخاص دیگر از دور، نوعی سیاست انحصار قدرت و حذف رقبا را در پیش گیرند، شیرین و دلچسب بودن قدرت باعث می‌شود که هیچ کس پس از به‌دست آوردن، آن را با دیگران تقسیم نکند، قدرت فساد آور است و شورایی‌عالی به حیات خود ادامه دهد می‌تواند اصلاحات را به سرمنزل مقصود برساند همان کلاهی‌ست که در سال ۸۴ با ایجاد توهم رای ۱۸ میلیونی مصطفی معین بر سر اصلاح‌طلبان رفت، شورایی‌عالی بر خلاف آنچه که مدعی‌ست اسباب (فصل) است نه اسباب (وصل).

این‌ها همه ابراهیمی هستند که به ما هشدار می‌دهند که مبدا اصلاحات بر روی شکم بخوابد که دچار شدن به این مرض یعنی مرض دیکتاتوری و تمامیت‌خواهی...بهترین راه برای پیشبرد پروسه اصلاحات ایجادکردن ساز و کاری‌ست که هیچ فرد یا گروهی نتواند استبداد و دیکتاتوری به راه بیااندازد. ...

**یادداشت**

## اصلاحات؛ ایستادن روی سر یا خوابیدن روی شکم؟!‌

یاسر شعبانی‌فر – فعال سیاسی اصلاح‌طلب

در کنار دلایل متعددی که منتقدین شورا برای انحلال آن ارائه داده‌اند، پس از حمایت‌های جانانه معاون استاندار کردستان در دهه ۶۰ و مدرس فعلی جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، بیم آن می‌رود که شورایی‌عالی، با توجه به مداومت برخی، و پاشیدن رنگ قداست و نقد ناپذیری، به معبدی خودخوانده برای اصلاح‌طلبان تبدیل شود و اعضای آن در درون شورا و تابعین در خارج شورا به کاهنان این معبد تبدیل شوند و این زمانی‌ست که جهان بر روی سرش ایستاده است. از روزی که خورشید در گنبد مینا بوده و سیارات به دورش می‌خرامیدند، هرگز دیده نشده که بشر بر روی سر بایستد و واقعیت‌ها را بر روی عقل و خرد بنا کند. (هگل / فلسفه تاریخ/ درباره انقلاب فرانسه). ایستادن بر روی سر یعنی حکومت عقل و خفا و نه تک‌تاری پیش‌دآوری‌ها و ایدئولوژی‌ها و تصورات خرافی و غیر عقلانی و دگم‌های نقلاب‌دار و غیر نقاب‌دار و ...ایستادن بر روی سر یعنی: قبول کثرت‌گرایی و گفتگوی جمعی دائمی و ارائه روش‌های دموکراتیک برای حل مسائل و عدم استفاده از روش‌های خشونت آمیز و نهایتا حتی در صورت کام گرفتن از قدرت، به رسمیت شناختن حقوق اقلیت.

سخن گفتن و ارائه نظر در باب شورایی‌عالی نیز از مصادیق تلاش برای بنا کردن اصلاحات بر روی سر است. طبیعی است که در موارد مهم، مانند تمدن بحث شورایی‌عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان، نخست نهادینات و پیشنهادات باید در خفا و در جلسات خصوصی بیان شود و بعد علنی شود و به رسانه‌ها کشیده شود برای سنجش افکار عمومی نسبت به موضوع و یا برای ثبت در تاریخ و یا روشن‌گری و یا هر قصد و نیت دیگری. بدیهی است که مخالفین و موافقین هر یک دلایل خود را اقامه کنند و از در مجادله و مناظره و مباحث در آیند و چه اتفاقی مبارک تر از این که:

«فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِینَ یَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»

لکن استفاده از الفاظ تحقیرآمیز خطاب به منتقدان به واسطه غرور کاذب ایجاد شده در ناخودآگاه مهاجم که احتمالا ناشی از تدریس جامعه‌شناسی در یکی از دانشگاه‌های تهران است، کمی این فرآیند (جدال احسن) را با مشکل مواجه می‌سازد.

اینکه حمیدرضا جلالی‌پور که نه عضو شورا‌ست و نه سخنگوی آن، ولی با این وجود هراز چندگاهی به منتقدان شورا می‌تازد و می‌گوید که آن‌ها را منگوب و سرکوب کند امری‌ست که به خود او مربوط است و احتمالا ناشی از جوانی پرماجرایش و دوستی با تسخیرکنندگان سفارت آمریکا است.

به دلایل متعدد برخی معتقدند که انحلال شورایی‌عالی سیاست‌گذاری در وهله اول زنگ تمامیت‌خواهی، انحصارطلبی و قدرت‌طلبی را از آئینه اصلاحتی می‌زداید و در وهله دوم اتحاد و انسجام اصلاح‌طلبان را افزایش می‌دهد.

لکن مخالفت مدرس جامعه‌شناسی دانشگاه با این انحلال جای تعجب و سوال دارد! چرا که او به عنوان یک جامعه‌شناس اصلاح‌طلب باید نهایت تلاش خود را برای تحدید و توزیع قدرت به کار برد نه اینکه سینه‌چاکانه و یادگانی تمام از شورایی‌عالی حمایت کند که اساسا نماد جمعیت قدرت است و اصلی‌ترین خطر برای بی‌اعتبار کردن کردن بخش عظیمی از شعارهایی اصلاح‌طلبی ...

طبق اخبار و اظهار نظر‌ها، نقدها به شورایی‌عالی تقریبا چند ماهی پس از انتخابات سال ۹۴ آغاز شد؛ بدین معنا که اساسا دلیل تشکیل شورایی‌عالی ایجاد هماهنگی برای رفع ناهماهنگی‌هایی بود که برخی انحصار‌گرایان در آستانه انتخابات ایجاد کرده بودند و پس از اتمام انتخابات ادامه حیات شورا محلی از اعراب ندارد.

اعضای شورا، کاهنایی شده‌اند و به موازات کاسبان فتنه و تحریم، کاسب اصلاح‌طلبی هم می‌شوند.

در تکوینش واکنش‌های غیراخلاقی کاهن جامعه‌شناس معبد می‌توان این قسم واکنش‌ها را به حساب حرکت سینوسی برخی در سپهر سیاست این مرز و بوم گذاشت. امروز به کسانی حمله می‌کنند که سابقه مبارزه آن‌ها به زمانی برمی‌گردد که برخی از این تئورسین‌های خودخوانده یا به دنیا نیامده بودند و یا در دبستان مشغول بازی بودند؛ و این البته طبیعی‌ست چرا که در سال ۵۸ دوستانشان را برای بالا رفتن از دیوار سفارت تایید می‌کردند و در ۹۲ همان کار را تبقیح می‌کنند.

در سال‌های ۷۲ و ۸۲ به صورت مرحوم هاشمی جنگ می‌زدند و در ۹۲ به او اقتدا کردند.

روزی خامتی را ترسو و سازش‌کار معرفی می‌کردند و قصد «عبور از خامتی» را داشتند و امروز او را سپر بلائی خود کرده‌اند.

به راستی تا کی قرار است اصلاحات و این ملت تلوان اقدامات ناسنجیده و عمل ناشی از افراط و تفریط این جماعت را پس دهند؟! یکروز فتوا به ترور شخصیت یکی می‌دهند و فردا تقدیسش می‌کنند، امروز در اثبات درستی جریانی، شخصی یا مساله‌ای گوش فلک را کر می‌کنند و فردا از همان جریان، شخص یا مساله توبه می‌کنند.

تاریخ اصلاح‌طلبی در این کشور یعنی همین رخدادها که مدام‌ثبت می‌شود و این تاریخ زمانی قابل افتخار است که روی سر ایستاده باشد نه اینکه به خاطر گرفتن چند کرسی کم و بیش، حذف و یا برجسته کردن یک یا چند گروه و شخص یا خدایی نکرده به طمع گرفتن کالای دنیوی و پست و جایگاه اصلاح‌طلبی را روی شکم بخوابانند. شکمی که نماد سبیری‌ناپذیری، جنگ انداختن و طمع ورزیدن است و چون ازدهای داستان مارگیر در مثنوی معنوی اگر کنترل نشود خلقی را به مشکل خواهد انداخت. ...

جهت استحضار جناب جلالی‌پور مدرس جامعه‌شناسی باید گفت، هیچ دلیلی ندارد که شورایی‌عالی و مدافعینش با جمعیت قدرت اصلاحات و بسا از حلقه قدرت خارج کردن احزاب و اشخاص دیگر از دور، نوعی سیاست انحصار قدرت و حذف رقبا را در پیش گیرند، شیرین و دلچسب بودن قدرت باعث می‌شود که هیچ کس پس از به‌دست آوردن، آن را با دیگران تقسیم نکند، قدرت فساد آور است و شورایی‌عالی به حیات خود ادامه دهد می‌تواند اصلاحات را به سرمنزل مقصود برساند همان کلاهی‌ست که در سال ۸۴ با ایجاد توهم رای ۱۸ میلیونی مصطفی معین بر سر اصلاح‌طلبان رفت، شورایی‌عالی بر خلاف آنچه که مدعی‌ست اسباب (فصل) است نه اسباب (وصل). این‌ها همه ابراهیمی هستند که به ما هشدار می‌دهند که مبدا اصلاحات بر روی شکم بخوابد که دچار شدن به این مرض یعنی مرض دیکتاتوری و تمامیت‌خواهی...بهترین راه برای پیشبرد پروسه اصلاحات ایجادکردن ساز و کاری‌ست که هیچ فرد یا گروهی نتواند استبداد و دیکتاتوری به راه بیااندازد. ...